

مدیر کل

جلال الدین الحسینی مؤید الاسلام
صاحب امتیاز روزنامه هفتگی
و یومیة (جبل المتین)

(عنوان مراسلات)
طهران خیابان لاله زار
نام مدیر میرزا سید حسن کاشانی
دبیر آقا شیخ یحیی کاشانی

هیراز روزهای جمعه همه روزه
طبع و توزیع میشود

یومیة

جبل المتین

۱۳۱۱

طهران

قیمت اشتراك سالیانه

طهران ۳۰ قران
سایر بلاد داخله ۴۰ قران
روسیه و قفقاز ۱۰ منات
سایر ممالک خارجه ۳۰ فرانک

(قیمت يك نسخه)
در طهران يكصد دینار
سایر بلاد ایران سه شاهی است

قیمت اعلان سطر
دو قران است

روزنامه یومیة ملی آزاد سیاسی اجباری تجاری علمی ادبی مقالات عام المنفعه

با امضا قبول و در انتشارش اداره آزاد است



شنبه ۱۷ جمادی الاولی ۱۳۲۵ هجری قمری و ۱۰ تیر ماه جلالی ۸۲۹ و ۲۹ ژوئن ۱۹۰۷ میلادی



قسط الرجال

مملکتی که اهلیت خود سری بار آمده و بهوا
وهوس خو کرده و ریاستش فقط بدان رشوه و تعارف
و زررکیش در زدن و چاپیدن بندگان خدا بوده است در
چنین مملکتی مردمان عاقل زیرک که بتوان برای رزین
و تدبیر دوراندیش آنها مقاصد امور را اصلاح کرد
و خرابیها را مسرت نمود حکم کمیما دارد --
غلباً اهالی در اینگونه ممالک بتن پروری و کمال معنادند
و از زحمت و رنج بهلو تهی میکنند سرداران جز بر
بره بریان و جوجه فسنجان حمله نکنند و زراعت غیر از
بیهوده کفتن و وقتی تلف کردن و ضمن القصد جیب و
دامان را بر کردن و اگر بتوانند اخلاقی در کار یکدیگر
نمودن شغلی ندارند و قهرا امور روی بفساد گذارد
و امنیت و آسایش از این ملک فراری شود عدالت و
حقیقت فرستگها از او دوری جوید --

مملکت ایران در دوره استبداد و زمان فترت
همین حال را داشت و طبعا این وضع آدم صحیح ترین
نمیکند و عاقل و زرنگ پرورش نمیدهد لذا هر بیسرو
پارا که از اداره کردن خانه خود عاجز است مدار عالی
مملکت میساختند و رشته حیات قومی را بدو میسپردند
و اراده او را در احکام قاضی مطلق قرار میدادند و این
بیچاره نادان که جز چند کلمه الفاظ و کیک در لوحه
خواطر هیچ معلومات نداشت و بکلی از عوالم سیاست
و اداره شئون ملت بیخبر بود غرور و نخوت را که
لازمه امراء مستبد است بر صفات خود زیاد کرده با کبر
تصرودی و فرعنه فرعونی بر مستند تکیه زده کوس انار بکم

الاعلی میکوفت و در عقل و کیاست بیتر مارک و کلاد ستون
را خوشه چین خرمن خود حساب نمینمود و گمان میکرد
لوارم وزارت یا حکومت داشتن نو کر و فراش و خانه
مفصل و پارک معظم و در شکه تاز و اسب روسی و
مقداری پول در ترد بانک است و هر کسرا این لوازم
فراهم شد باید مالک رقب ملت و صاحب اختیار جان
و مال و ناموس رعیت باشد لیاقت و قابلیت
تحرط نیود کنایت و درایت لزومی نداشت
چیزیکه بر ریاست این نمره اشخاص بی لیاقت مترتب
میشد خرابی خانمان رعیت، ضعف دولت، اختلال
امور سلطنت، فرار ملت بود راهها مفشوش مملکت
پریشان دست اجانب دراز، ثروت مملکت بر باد میشد
آنچه برده پوشی از مفاسد اعمال این امراء نادان
میکرد دو امر بود یکی جهالت و نادانی ملت که در
عین پریشانی ملتفت فقر و ذلت خود نبودند و در
کمال ناامنی خود را در نعمت امان و راحت میدیدند
و اگر هم احیانا از شدت دست تنگی و عسرت به
بیچارگی و در ماندگی خویش بر میخور دند نسبت آنها را
بحرکت کوا کب و ظهور ستاره دنباله دار یا کثرت برق
و فجور میدادند یا گمان میکردند ذلت لازمه ایمان است
و مؤمن باید در دنیا زیون و ذلیل باشد و برای ین
شاهی همیشه مظل و سرگردان بماند و بهیچوجه از
بی کفایتی ولات و عدم لیاقت حکام تصور نمیکردند
دوبم آنکه سلطنت مستبد و مستقله و اغلب امور در
پزده اختفاء بود یعنی چشم ملت را بکلی گرفته و
دست شانرا با زنجیر محکم بسته بودند کسی خبری از
جائی پیدا نمیکرد و احدی از داخله کار مسبوق نبود

فرضا در قزوین هزار فتنه و کشتار میشد اهل طهران نفیضمیدند و دولت امسال ده کروور کسر داشت ملت مسبوق نمیشد از دور میدیدند اداره دولت در گردش و جمعی هم محرک این چرخند لابد تعریف میکردند که چه خوب امور را فلان وزیر اداره میکند یا بهمان حاکم چندین سال در فلان ایالت با نهایت تسلط حکمرانی کرد

لکن امروز مسئله آفتابی شده از يك طرف هوش و فهم ملت زیاد و چشم شان ناز کردید از طرف دیگر کارهای دولت از پرده بیرون افتاده و خرابیهایش معلوم شده است حالا هر چه نظر میکنند تباهی است که سر تا سر را گرفته خرابی است گوش ناگوش مملکت را احاطه کرده اغتشاش است که همه جا بر پا شده انقلاب است هر سمت رخ داده حال میفهمیم که ایران ابدآدم قابل کار آمد ندارد فقط رجال است و غلاء عقلاء وجود مردم کافی نمونه عقاب است که اسمش شنیده میشود و رسمش پیدا نیست

این امر را در اصطلاح (فحط الرجال) میگویند یعنی آدم کار آمد که بتواند يك دائره از دوائر دولتی را بگرداند در تمام مملکت ایران یانیت یا اگر هست خیلی کم و زیاده خصوص در عمل وزارتخانه های هشتگانه که آدم کاری میخواهد و هیکل چدنی کار يك شاهی و صد دینار نیست این خرمن کوفتن است که کاور و مرد کهن میخواهد کار هر یافته و حلاج نیست — این کار خیلی آسان که بنظر بی عرضه ترین خاق ایران سہلترین همه کارها میباید و هر قبال را میگفتند وزارت مالیه مثلا از تو ساخته است فورا جواب میداد بلی در نهایت خوبی و کمال درستی در انجام این خدمت حاضریم ، امروز معلوم شده است که دشوارترین کارها است آدم ناشی نمیتواند که سهل است آنها هم که پنجاه سال است در این خط کار میکنند و عمر خود را در این راه صرف کرده اند امروزه زیر این بار در مانده و از تحمل آن بجز اعتراف دارند — جهتش چیست ؟ جهتش آنستکه الخی چریدن کار آسانی است و وزارت بدون مسئولیت عمل سہلی است مسلم از بقالی کردن آسان تر است زیرا که بقال افلا باید سر مایه خود را حفظ کنند و باین اندازہ مسئول است اما وزارت بی مسئولیت بهیچ شرطی یا بست نیست دست تصرفش بهمه جا دراز است و پای عبور و مرور از هر سو باز است اگر کار خوب شد عمل مرشد و رقم مخلص است اگر بد از آب بیرون آمد کتاه بر کردن زید و عمرو است — راستی در خانه یا پارک صبح نشستن و از فلان امیر ده هزار تومان تهراری

کرفتن و یکمهر بفرمان زدن امر پر زحمتی نبود منتہی آن امیر با این فرمان صد هزار تومان خاق را میچاپید آنهم ربطی بایشان که نداشت . اما الحال مسئولیت در کار است حرف بخرج نمیرود دروغ و زبان بازی فاشه ندارد تعارف و تمناق درد دوا نمیکند کسی فحش و دشنام نمیشود بسبب وزیر الممالک را در بار نمیتوان تو سری کرد روزنامهها بد و خوب را زود نشر میدهند توقیف هم نمیشود کرد ناسخ و منسوخ نمیشود داد سر هم بندی کار صورت نمیگیرد چاشت خواب مشکل شده است آدم فضول را نمیتوان کتک زد شقه کردن و از بام خاتہ بر زمین افکندن و درم جیبس پوسانیدن موقوف کتہ چه باید کرد ؟ باید متصل شب و روز با غایت دقت و دانائی مشغول کار بود لجساج و خود سری را کنترل گذارد عیش و راحت را بر خود حرام نمود فکر عقلاء باید کرد و حرکت زیر کانه آن تهور و بی باکی امروز پیشرفت ندارد و بخرج کسی نمیرود .

غرض از طول این بیان آنکه وزارت عدلیه که در میانه وزارتخانهها از همه مظلومتر و اشکالش زیاد تر است این ایام بواسطه کفایت فرمانفرما تا یکدرجه صورت نوعیه پیدا کرده تا اندازه اسباب اطمینان خاطر عامه تیز گردیده است و اگر این ترتیب را از دست ندهد بزودی اساس ظلم و تعدی احتمال میدهد ضعیف شود و عدالت قوت گیرد بعدها آصف الدوله تواند دخترهای مسلمانان را فروشد و سالار تواند زن و بچه ملت را بامارت ترکمان بدهد پسر قیب عالینہ چوب و چمق نکشد و باسم مجلس مرسر و صورت مردم ترند و دست و پای این و آن را نشکند د کاکین یوه زنان را ترور غضب نکنند خانه و لانه رعیت را خراب و ویران سازند و رعایا را در بدر غربت نمایند

از قراریکه این ایام مذاکره میشود و تا در جهه هم بی ملاحظه نیست خیال تغییر شخص وزیر را دارند و او را بطرف آذربایجان میفرستند یا خیال فرستادن دارند — جای افسوس است که باز این اداره در حالت تعطیل و سرگردانی خواهد افتاد آنوقت است که کیف آصف الدوله کتک میشود و از زیر این حجات خلاص میگردد کار بکام متمکاران میگردد و آه مظلومان باز قتلک اثیر میرسد باز باید فوجانیان بفعلگی رفته یکسال و نیم دیگر سرگردان بدونند و کسی گوش بحریشان ندهد — همین قدر عرض میکنیم هرکس این خیال را کرده اگر از هیچ چیز نمیترسد خوب است از ناله دلسوزانه اهالی ستم رسیده فوجان اندیشه کنند والله سلطنت ایران را مشروطه نکرد مکرر آه و ناله این

بیچارگان در درگاه حضرت احدیت، اساس استبداد را سرنگون ساخت جز ظلمی که در حق این فلکگردگان وارد شد باید ترسید از روز مهر الهی که آتش غضبش جملگی را در یک چشم برهم زدن بسوزاند - انصاف را کجا روا است بعد از اینهمه دوندگی حال که تازه این محاکمه برقرار شده باز او را برهم زد و دنیا را بدست آصف الدوله ظالم سپرد خوب است حال که مصمم فرستادن وزیر عدلیه هستند چند روزی صبر کنند تا این محاکمه بیایان رسد و آبی بدل این سوختگان ریخته شود آنوقت هر چه میل دارند بفرمایند اگر چه نقض غرض جایز نیست و اصل مقصود برهمه کس مداوم است قام اینجا رسید و سر بشکست

(تقریظ و اعتراض)

روزنامه مبارکه (صور اسرافیل) اثر قام جناب آقا میرزا جهانگیر خان که بتزکی از افاق دارالخلافت طهران زیب بخش آسمان مطبوعات و مایه افتخار عالم معارف و جرائد گردیده روزنامه است نهایت مقبول و مطبوع حاوی مطالب عالی و مسائل مهمه بیاناتش همه اسباب سرور قاب و طن پرستان و کلماتش روح بخش ابدان مرده دلان الحق قابل هزاران تمجید و توصیف و در خور هر گونه ستایش و تعریف است

لکن جای کمال اسوس است که در نمره سیم این جریده فریده شرحی بنام مکتوب کرمان در اوضاع ایالت جلیله کرمان مرقوم کک مجز شیم داشته که اغلب بلکه همه مضامین آن بر خلاف واقع و کذب محض است اولاً مرقوم داشته تلگرافی از وزیر داخله بکرمان رسید که مالیات را نصف حواله بدهید واضح است که گرفتن و دادن مالیات ربطی بوزارت داخله ندارد و راجع بوزارت مالیه است چگونه میتواند وزیر داخله حکم بگیردن یا گرفتن مالیات کند ثانیاً شکایت میکند که چرا مالیات را بیانک ملی نداده اند این ایراد را باید بر مجلس مقدس شوری ملی و هیئت وزراء بنمایند زیرا که مجلس با اتفاق وزراء چنین صلاح دانسته اند عجب است که هر یک از آنها رای و عقیده شخصی خود را مدار مملکت میخواهیم و دیگران را بمتابعت نکردن خیال شخصی خود مورد ملامت قرار میدهیم مثلاً فلان آدم مرافقه دارد در وزارت عدلیه قدری ایشان را منتظر کرده اند فوراً فریاد میکند بساید وزیر عدلیه عزل شود خوب اگر بنامند مناط عزل و نصب یکوزیر کیف و اراده امثال بنسده و صما باشد آیا غیر از هرج و مرج فائده پیدا خواهد شد ثالثاً مینویسد اینوجوه بصندوقخانه حضرت والا وارد میشود . . . گویا ابداً نویسنده از ترتیب گرفتن

مالیات مسبوق نیست گمان میکند مالیات جزء مدد خرج بحکومت کرمان مرحمت شده است در حالیکه کایه این وجوه در اداره و زات مالیه است و ابداً بحکومت محل مربوط نیست و مطابق خبر موثق و وجوه مالیاتیرا اداره (جهانبان) تحویل میدهند نه صندوقخانه حکومت حالا ما کمر بنوشنجات علماء کرمان نداریم که چه شرحها نوشته وجه داستانشها که دال بر کذب مندرجات مکتوب است بیان کرده اند تنها مجملی از رقمه وثوق لشکر وزیر کرمان را که شخصاً به مجیر دیوان نوشته و دستور لازم خواسته است نقل میکنیم که بدانند وضع حکومت کرمان این ایام چه نحو است و شاهزاده فرمانفرما چه قدر سختگیری نموده اند که ابداً نباید نصرت الدوله در عمل مسالیات

مداخله کند

(مزجمله مشارالیه مینویسد)

چندی قبل حضرت والا بخط مبارک خودشان است باصل و فرع مالیات کرمان دستخطی بان چاکر مرقوم فرموده و در طی دستخط مبارک تاکید و تصریح شده بود که نصرت الدوله نباید یکدینار در عمل مالیات و فروعات دخالت نکند و ترتیب مخارج خود را هم باید طوری بدهد که ماهی هزار تومان بیشتر خرج نداشته باشد بعد از زیارت آن دستخط مبارک بطوریکه امر فرموده اند اطاعت شده است تحویلدار شخص حضرت معظم الیه میرزا حسن خان است و از وجوه مالیاتی و فروعات آنچه میرسد تحویل جهانبان میشود و تحویلدار وجوه دیوانی جهانبان را قرار داده ایم و چون فعلاً تکلیف بهیچوجه معلوم نیست و از طرف وزارت مالیه هم هنوز دستور العملی نرسیده است تا بحال حضرت معظم الیه یکدینار در عمل مالیاتی و فروعاتی دخالت و تصرف نفرموده اند و برای مخارج شخصی خودشان میرزا حسنخان مندرجا از جهانبان قرض و خرج میکند رای اینکه میزان از مخارج شخصی حضرت معظم الیه بدست بیاید میرزا محمد حسین مستوفی سرکاری بر آوردی کرده است که کتاچه آن با این پست ارسال شد مطابق بر آورد برای قیمة جنس که بنا فرموده خود حضرت اقدس والا از محل اسلاک سرکاری بر داشت میشود باز ماهی یکهزار و یکصد و پنجاه نه تومان خرج معین دارند ؟

خلاصه مذاکرات مجلس دار الشوری

(روز پنجشنبه ۱۵ شهر جمادی الاولی)

بعد از انتقاد مجلس اظهار همراهی از جناب آقای حاجی خمایی رشتی شد و از اینکه دیروز دسته مخالفین از حضرت عبد القایم او را خواسته اند امتناع و اعراض

لمود وارحرکات ناصواب ایشان تبری و اعتراض جمله
و کلا تصدیق همراهی ایشان را با اساس مجلس و امتنان
و تشکر از وجود محترم ایشان نمودند

مذاکره از تظلمات و شکایات اهالی یزد از دست
مشیر الممالک بمیان آمد و در حقیقت تمذیبات او تا بیک
اندازه معلوم و محقق در پیش هیئت مجلس شد قرار شد
در این باب چیزی نوشته عزل او را بخواهند

شکایت از تمذیبات وزارت جنگ به بیان آمد که
منصب فروش و لقب فروش و برات فروش و همه قسم
تقلب و خیانت در امورات عسگری می نماید قشون بی
نظم و بی ترتیب همه بی مواجب و گرسنه و گدا در حقیقت
خیانت و بی اعتدالیهای این وزارت جنگ بود که سبب قتل
ناصرالدین شاه مرحوم شد این ایام مستاجر خود را آورد
بزور سه هزار تومان از او سبک گرفت شخص مستاجر وزارت
عدلیه عارض شد وزارت عا. ب. در این باب تحقیق و رسیدگی
خواست بنماید اسباب فراهم کرد که خوبست فرما فرما
برود با ذریعگان با اسم اینکه رفع اغتشاش نماید ولی در
حقیقت برای این است که این یک وزیر کار کن همراه را
هم بیرون کرده باشد از این قبیل شکایات و تظلمات و
خیانات زیاد گفته شد و اظهار شد بر اینکه دیروز حضرات
مخالفین در حضرت عبدالعظیم دستور داده که نامی نتوانید
انجمن آرناب تیول راهم ما خود متحد کرده بفرید بحضور
عبدالعظیم بعد از مذاکرات زیاد رای گرفته شد بر عزل
وزارت جنگ و از اینکه هیئت مجلس بچنین زیری اطمینان
ندارد اتفاق آراء بر نبودن وزارت جنگ شد

دو فقره صورت مخارجی که وزارت عدلیه صورت
داده بود در کمیسیون حلایه اصلاح و تصویب شده قرائت شد
یک فقره مخارج اساسی و اثباتی دیوانخانه عدلیه از قبیل
فروش و صندلی و میز و غیر ذلک دوهزار و نهصد و بیست
و هفت تومان پذیرفته و قبول شد فقره دیگر بتائی که بدو
هزار و دویست و پنجاه و هشت تومان تخمین شده بود قرار شد
بعد از برآورد معمارانچه شد منظور شود

صورت دیگر از جهت مخارج استمراری از قبیل
نهار و مواجب مستخدمین و اجزاء و غیره در ماهی هزار و هشتصد
سی و هشت تومان این صور ترا کمیسیون چون بعضی اجزاء
وزارت عدلیه مواجب دیوانی دارند لذا موقتا قرار داد
که ماهی هزار و صد تومان مخارج مقرر شود تا
مواجب آن اجزاء معین شود که چقدر است انوقت در بودجه
مواجب کافی صحیح برای هر یک معین و مقرر شود
شروع بقرائت قانون اساسی شد بعد از قرائت و
مذاکرات چندی مجلس ختم شد

(وقایع نکار انزلی مینگار د)

کاظم نام علی اف بادکوبه تاجر باشی روس در سر

مسئله باوکلاهی انجمن ملی طرفی شده نسبت بانماحراری
توهین آمیزی از دهنش حساری شده خبر بمجاهدین
رسیده بالاخره در انجمن مجلس فوق العاده تشکیل شده
خبر باگنط قونسول گری روس رفته که باید در انجمن
حاضر شوی فردای آنروز اگنط و معاون قونسول گری
با انجمن ملی حاضر پس از مذاکرات لارم بدرجه ثبوت
رسیده که علی اف مقصراست مجازات او را از اگنط
در خواست نمودند اگنط خواهش اصلاح نموده قبول
انجمن نشده اگنط سه روز مهلت خواسته که مراتب
بتوسط قونسولخانه بسفارت طهران رایورت شود و
مجلس ختم کردید و انجمن فعلا منتظر نتیجه و جواب
سفارت به قونسول گری گیلان است تا بعد چه شود آیا
حقیقت خواهد داشت یا که مثل سابق و ایام استبداد و
استقلال خواهد بود که فلانی همانا که رعیت خارجه
شناخته شده است هر بی حسابی را مختار است نسبت
بر عابای فقیر مظلوم و غنی ظالم ایران بنماید برای چه
برای اینکه اسمش رعیت خارجه است

بموجب اخبارات واصله جدیدی که از گرگان رود
سمت طوالش بانجمن انزلی بذریعہ تلفون و تلگراف رسیده
باز ارفع السلطنه طغیان ورزیده مشهور است انجمن
آجا را بهم زده ظلم و بیاداد را از سر گرفته است ولی
انجمن انزلی میگوید باید در این باره بدقت تحقیق و
رسیدگی شود فعلا این خبر راوقعی نمیدهند و در تحقیقات
صحیحه خیال ارسال هیئت و کمیسیون بدانجا دارند بعد از
تحقیق ثانوی انا را مکتبا و تلگراف اطلاع خواهد داد (ابوذری)

(ترجمه اخبار خارجه)

بموجب اطلاعات از واشنگتن بعضی تلگرافهای
شخصی رسیده که مشر از احضار ارو گئی سفیر کبیر
ژاپون در امریکا و انفصالتش از این سفارت است
مرسوله مزبور باز نشده بخدت صدارت پناهی عودت
داده شد

اعلیحضرت سلطان و ملکه دانمارک از خانواده سلطنتی
انکلیس مرخصی حاصل و بعزم سیاحت خاک فرانسه
حرکت فرمودند

اعلیحضرت امپراطور آلمان هدیه ممتازی برای
چند دستگاه اوطوبیلهای نمره اول ممالک مختلفه
کورس معین و مقرر فرموده اند که هر یک بیدق اول را
بردارد هدیه معینه حق او باشد و در ۱۳ ماه که اعلیحضرت
معظم در مجاورت شهرها مבורک برای تماشای کورس
اوطوبیلها تشریف داشتند از سؤالات چند دستگاه اوطوبیلها
شکست برداشته و یک نفر اوطوبیلچی هم تلف شده است
حسن الحسیلی الکاشانی